



An Analysis of Afghanistan's Gross Domestic Product Over the Past Decade and Policy Recommendations for Its Enhancement

Mohammad Jan Rahmani¹ 

1. Faculty Member, Department of Business Economics, Faculty of Economics, Khatam Al-Nabieen University, Kabul, Afghanistan. Email: rahmanimohammad256@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 16/07/2025
Received in revised form:
23/07/2025
Accepted: 13/09/2025
Available online:
21/09/2025

Keywords:
Gross Domestic Product,
Economic Growth,
Strategic Advantage,
Afghanistan

ABSTRACT

Gross Domestic Product (GDP) is one of the fundamental indicators for analyzing a country's economic status and is composed of three main sectors: agriculture, industry, and services. This paper aims to analyze Afghanistan's GDP portfolio by examining the perspectives, historical background, roles of each sector, and assessing the share and performance of these sectors over the past decade. The study is quantitative in nature and, using statistical data and comparative analyses, evaluates the actual contribution of each sector to the country's economic growth through analytical and descriptive methods. This research is conducted to provide policy recommendations and evaluate strategies for Afghanistan's economic growth. The findings indicate that although the services sector holds a larger share of GDP, the industrial sector possesses greater strategic advantages in terms of generating sustainable value added, creating productive employment, enhancing exports, and linking with other sectors. Its capacity to stimulate long-term economic growth is more pronounced. The analysis clearly confirms that strengthening the industrial sector should be prioritized in the country's economic policymaking, as it can serve as a key driver for Afghanistan's sustainable development.

Cite this article: Rahmani, M. (2025). An Analysis of Afghanistan's Gross Domestic Product Over the Past Decade and Policy Recommendations for Its Enhancement, *Kateb Journal of Economics and Management*, 4 (1), 185-204.



© The Author(s).

Publisher: Kateb University.


شاپا چاپی: ۳۰۰۶-۶۰۸۵

شاپا الکترونیکی: ۳۰۰۶-۶۰۹۳

ایمیل آدرس: kjem@kateb.edu.af

وب سایت: https://kjem.kateb.edu.af

بررسی تولید ناخالص داخلی افغانستان در ده سال اخیر و ارائه راهکارهای افزایش آن

محمدجان رحمانی^۱ 

۱. عضو کادر علمی دپارتمان اقتصاد تجاری، پوهنهی اقتصاد، پوهنتون خانم النبیین (ص)، کابل، افغانستان.

ایمیل: rahmanimohammad256@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله تحقیقی	تولید ناخالص داخلی (GDP) از شاخص‌های بنیادین در تحلیل وضعیت اقتصادی کشورهاست که متشکل از سه بخش اصلی زراعت، صنعت و خدمات است. این مقاله با هدف تحلیل پورتفولیوی GDP افغانستان، به بررسی دیدگاه‌ها، پیشینه تاریخی، نقش‌های هریک از بخش‌های یادشده و تحلیل سهم و عملکرد هریک از بخش‌ها در دهه اخیر می‌پردازد. این تحقیق ماهیت کمی دارد و با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های تطبیقی، جایگاه واقعی هریک از بخش‌ها را در رشد اقتصادی کشور با روش‌های تحلیلی و توصیفی ارزیابی می‌کند. این پژوهش به منظور ارائه راهکارها و ارزیابی سیاست‌ها برای رشد اقتصادی افغانستان تهیه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه بخش خدمات سهم بالاتری در GDP دارد، اما از منظر ایجاد ارزش افزوده پایدار، اشتغال مولد، ارتقای صادرات و پیوند با سایر بخش‌ها، بخش صنعت از مزیت‌های راهبردی بیشتری برخوردار بوده و ظرفیت آن برای تحریک رشد اقتصادی بلندمدت چشم‌گیرتر است. بررسی‌های صورت‌گرفته به‌وضوح مؤید این نکته است که تقویت بخش صنعت باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور قرار گیرد، زیرا می‌تواند نقش پیشران را در توسعه پایدار افغانستان ایفا کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵	
تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰	
واژه‌های کلیدی: تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، مزیت راهبردی، افغانستان	

استناد: رحمانی، محمدجان (۱۴۰۴). بررسی تولید ناخالص داخلی افغانستان در ده سال اخیر و ارائه راهکارهای افزایش آن.

دوفصلنامه اقتصاد و مدیریت کاتب، ۴ (۱)، ۲۰۴-۱۸۵.

ناشر: پوهنتون کاتب.



© نویسندگان.

۱. مقدمه

تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش عملکرد اقتصادی کشورهاست که میزان ارزش افزوده، توان درآمدزایی و ظرفیت اشتغال‌زایی اقتصاد را نشان می‌دهد. در حسابداری ملی، GDP از سه بخش اصلی زراعت، صنعت و خدمات تشکیل می‌شود که هر یک نقش متفاوتی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. بررسی ترکیب بخشی GDP، ابزار مؤثری برای شناسایی بخش‌های پیشران و اولویت‌بندی سیاست‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود.

مطالعات تطبیقی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که اگرچه در مراحل اولیه توسعه، زراعت نقش اساسی در اشتغال و امنیت غذایی دارد، اما در بلندمدت بخش صنعت می‌تواند موتور اصلی رشد اقتصادی باشد. (Chenery & Syrquin, 1975, pp. 55–60) در عین حال، تجربه کشورهایمانند چین و هند بیانگر آن است که رشد بخش خدمات، بویژه در حوزه تجارت و فناوری اطلاعات، سهم قابل توجهی در افزایش GDP و تنوع بخشی اقتصادی داشته است. (World Bank, 2021, p. 112)

اقتصاد افغانستان با ساختاری آسیب‌پذیر و ناپایدار مواجه است. زراعت با وجود سهم بالای اشتغال، به شدت تحت تأثیر شرایط اقلیمی و ناامنی قرار دارد و بخش صنعت نیز سهم اندکی در GDP کشور دارد. (World Bank, 2020, p. 44) این وضعیت، ضرورت تحلیل دقیق ترکیب بخشی تولید ناخالص داخلی و ارزیابی نقش هر یک از سه بخش زراعت، صنعت و خدمات را در سیاست‌گذاری اقتصادی برجسته می‌سازد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختار پورتفولیوی تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال‌های اخیر، به تحلیل سهم و اثرگذاری بخش‌های زراعت، صنعت و خدمات بر رشد اقتصادی می‌پردازد تا زمینه اتخاذ سیاست‌های هدفمند و تخصیص بهینه منابع فراهم شود. سؤال اصلی پژوهش این است که کدام یک از این سه بخش بیشترین نقش را در افزایش GDP افغانستان داشته و می‌تواند در اولویت سیاست‌گذاری اقتصادی قرار گیرد؟

۲. تعریف مفاهیم

تولید ناخالص داخلی؛ (GDP) مجموع ارزش افزوده ایجادشده توسط کلیه فعالیت‌های اقتصادی (زراعت، صنعت و خدمات) در داخل کشور در یک دوره معین است. (Mankiw, 2010, p. 18)

زراعت؛ شامل تولید محصولات زراعی و دامی، مواد غذایی، علوفه، الیاف و پرورش حیوانات اهلی بوده و نخستین بخش حسابداری ملی افغانستان را تشکیل می‌دهد. (مرکز احصاییه، ۱۳۹۵، ص ۱۷۱)

صنعت؛ دومین بخش GDP که شامل استخراج و پروسس معادن و تولید کالاهای صنعتی است و در حسابداری ملی به‌عنوان بخش صنعتی اقتصاد شناخته می‌شود. (جهانگیری و مهرپویا، ۱۳۹۵، ص ۴۳)

خدمات؛ فعالیت‌های ناملموسی مانند تجارت، ترانسپورت، بیمه، خدمات مالی و هتل‌داری را دربر می‌گیرد و سومین بخش تولید ناخالص داخلی محسوب می‌شود. (Porter؛ مرکز احصاییه، ۱۳۹۵)

۳. مبانی نظری تحقیق

در این بخش تحقیق دیدگاه‌ها و نظریاتی مانند نظریه رشد متوازن، رشد نامتوازن، صنعت منتخب و نظریه روستو به صورت ذیل مطرح می‌گردد:

۱. نظریه رشد متوازن که در دهه ۱۹۵۰ توسط نورکس، نلسون و روزن اشتاین رودن مطرح گردید، بر سرمایه‌گذاری همزمان در تمام بخش‌های اقتصادی تأکید دارد تا زراعت، صنعت و خدمات به‌طور متوازن رشد کنند. (جرالد ام. مایر، دادلی، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۴) این نظریه که با عنوان «جهش بزرگ» نیز شناخته می‌شود، رشد اقتصادی را حاصل وابستگی متقابل بخش‌ها می‌داند و توسعه را به سیستمی منسجم تشبیه می‌کند که نبود هر جزء آن مانع پیشرفت کل می‌شود. (لشکری، ۱۳۸۸، صص. ۱۷۰-۱۷۸) آرتور لوئیس نیز بر مکمل بودن زراعت، صنعت و خدمات تأکید دارد و نشان می‌دهد که بهبود بهره‌وری زراعت موجب گسترش صنعت و رشد خدمات از طریق تأمین نهاده‌ها، بازار، نیروی متخصص و زیرساخت‌ها می‌گردد. (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳، صص. ۱۹۴ و ۳۷۴؛ اسفندیاری، نجفی و موسوی، ۱۳۹۵، ص. ۸۶)

۲. نظریه رشد نامتوازن که توسط البرت هرشمن (۱۹۵۸) ارائه شد، بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های پیشرو تأکید دارد. از دیدگاه او، بخش صنعت به دلیل دارا بودن بیشترین پیوندهای پیشین و پسین با سایر بخش‌ها، نقش رهبری در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند و موجب افزایش بهره‌وری و گسترش فعالیت‌های وابسته می‌شود. (همان، صص. ۲۱۳-۲۱۷) براین اساس، انتقال منابع از بخش‌های کم‌بازده به صنعت می‌تواند رشد اقتصادی را تسریع کند. (اسفندیاری، نجفی و موسوی، ۱۳۹۵، ص. ۸۶)

۳. نظریه صنعت منتخب با تأکید بر نقش فعال دولت و حمایت هدفمند از صنایع خاص، توسط اقتصاددانانی چون مایکل پورتر، پل کروگمن و جوزف استیگلیتز مطرح شده است. در این نظریه، دولت با حکمرانی خوب و حمایت برنامه‌ریزی شده از صنایع منتخب، زمینه ایجاد مزیت رقابتی، افزایش درآمد ملی و رشد تولید ناخالص داخلی را فراهم می‌سازد. (مهدوی عادل و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۷، p.292؛ Porter, 1990)

۴. نظریه روستو (۱۹۶۰) توسعه اقتصادی را در قالب پنج مرحله زمانی تبیین می‌کند. در مراحل اولیه، اقتصاد متکی بر زراعت است، اما با گذار به مراحل خیز، بلوغ و مصرف انبوه، نقش صنعت و تکنولوژی در رشد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته و سایر بخش‌ها نیز به تدریج صنعتی می‌شوند. (قره‌باغیان، ۱۳۷۰، صص. ۱۹۸-۲۰۱؛ Annemarie, p.3)

۴. نقش زراعت، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی

در این قسمت ابتدا نقش هریک بر تولید ناخالص داخلی از طریق تأثیرات متقابل هریک از بخش‌ها بر همدیگر بررسی می‌گردد و سپس نقش هریک از بخش‌ها در تولید ناخالص داخلی بررسی می‌شود.

۴-۱. تأثیرات متقابل بخش‌های تولید ناخالص داخلی

هریک از بخش‌های تولید ناخالص داخلی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری متقابل به رشد تولید ناخالص داخلی کمک می‌کنند. براساس تحقیقات صورت گرفته در چین، حدود سی نوع خدمات برآورد گردیده است

که ۷۲٪ از ارزش افزوده یک محصول را تشکیل می‌دهد. مثلاً حدود ۳۰٪ از ارزش افزوده گوشی نوکیا ناشی از خدمات داخلی آن است. (Driemeier p146) در نتیجه هر بخش از تولید ناخالص داخلی می‌توانند به حیث نهاده سایر بخش‌ها قرار گیرد. چنان‌که که مطلوبیت وسایل نقلیه، جاده و گمرک به خاطر حمل و نقل و ترخیص کالاها است و به عنوان نهاده برای خدمات ترانسپورتی کاربرد دارند. هرچه این نهاده‌ها بهتر گردد این خدمات بهتر ارائه می‌گردد و بخش خدمات بیشتر تقویت می‌شود.

از طرف دیگر خدمات مانند تحقیق، دیزاین، بسته‌بندی، خدمات مالی و بیمه، تجارت، بازاریابی، خدمات ترانسپورتی و نرم افزارهای موبایل و کامپیوتر به عنوان ورودی‌های بخش صنعت و زراعت کاربرد دارند و باعث ایجاد سهولت و ارزش افزوده در بخش صنعت و زراعت می‌گردد.

همینطور بخش زراعت با بخش‌های صنعت و خدمات ارتباط متقابل دارند، مانند داروهای گیاهی، نیشکر، دانه‌های روغنی، تولید مواد غذایی و پنبه که به عنوان نهاده‌های بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرند و توسط آنان دارو، شکر، روغن، محصولات غذایی، نساجی و صنایع تبدیلی مانند کمپوت تولید می‌گردد.

محصولات بخش صنعت نیز به عنوان نهاده‌های بخش‌های زراعت و خدمات قابل استفاده است، مانند تراکتور، تولید بذرهای پر بازده، تجهیزات آبیاری، ماشین‌الات درو و جمع کردن محصولات زراعت، کود شیمیایی، آفت‌کش‌ها، کمپوت، وسایل نقلیه، جاده، بنادر، کامپیوتر، لوازم پزشکی، دارو، تجهیزات رسانه‌ای سردخانه‌ها و... به کارگیری این نوع محصولات صنعتی باعث صرفه جویی، آفت‌زدایی، غنای خاک، بازدهی بیشتر و ماندگاری و نگهداری محصولات زراعت می‌گردد. همین‌طور بخش صنعت باعث ایجاد خدمات جدید مانند خدمات اطلاعاتی و رسانه‌ای، درمانی، بازرگانی، ترانسپورتی، بازاریابی، خدمات مالی و بیمه می‌گردد.

ناگفته نماند که بخش صنعت جدا از تأثیرگذاری مثبت بر سایر بخش‌ها می‌تواند باعث ایجاد خدمات جدید نیز گردد. چنان‌که با گسترش و پیشرفت تکنولوژی‌های جدید بخش‌های خدمات و زراعت نیز گسترش پیدا می‌کند؛ مانند تولید و ساخت کامپیوتر و آسانسور باعث ایجاد تقاضا برای برنامه‌های خدماتی، داده‌پردازی، ارتباطات و خدمات آموزشی می‌شود. با تولید و ساخت وسایل ترانسپورتی مانند موتور، طیاره، کشتی، قطار و آسانسور تقاضا برای خدمات متعددی مانند بیمه، تعمیرات و نگهداری نیز به وجود می‌آید به بیان دیگر با تولید محصولات صنعتی خلق تقاضا در سایر بخش‌ها نیز به وجود می‌آید. (Michael E.Porer.p306)

بخش صنعت غیر از این‌که بر اساس روابط متقابل با بخش‌های زراعت و خدمات دارای ظرفیت است، دارای ظرفیت مستقل نیز است، زیرا به طور نمونه ظرفیت تولید محصولات صنعتی جایگزین محصولات زراعت را نیز دارد. مانند تولید شیرین کننده‌های صنعتی که می‌تواند جایگزین فرآورده‌های نیشکر گردد. (Michael E.Porer.p306).

۴-۲. نقش بخش زراعت در رشد تولید ناخالص داخلی

۴-۲-۱. تأمین امنیت غذایی

زراعت، اصلی‌ترین منبع تولید مواد غذایی برای جمعیت کشور است و از واردات بی‌رویه و وابستگی غذایی جلوگیری می‌کند. وازاین طریق می‌تواند به رشد تولید ناخالص داخلی کمک کند مخصوصاً در اقتصاد کشورهای زراعت محور. (FAO 2021. p. 34.)

۴-۲-۲. منبع اشتغال گسترده

در کشورهای کمتر توسعه یافته، بخش عمده‌ای از جمعیت (بویژه در مناطق روستایی) در بخش زراعت مشغول‌اند. (Todaro, 2015 Pearson. p 400.) مانند افغانستان که بیش از ۵۰٪ نیروی کار در بخش زراعت فعالیت دارند.

۴-۲-۳. تأمین مواد اولیه برای صنعت

صنایع تبدیلی (مانند صنایع غذایی، نساجی، لبنیات، قند، روغن و...) به محصولات زراعت وابسته‌اند. توسعه زراعت موجب رشد صنایع وابسته و افزایش ارزش افزوده اقتصادی می‌شود. (Lipton, 1977 p. 127.)

۴-۲-۴. کاهش فقر و نابرابری

توسعه زراعت در مناطق محروم و روستایی، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کاهش فقر، نابرابری منطقه‌ای و مهاجرت به شهرها است. (World Bank.2007. pp. 2, 6.)

۴-۳. نقش بخش صنعت در رشد تولید ناخالص داخلی

بخش صنعت به دلیل این‌که عهده دار تولید تکنولوژی و فناوری است. و اقتصاد امروزی تکنولوژی محور است لذا بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها مهم‌ترین نقش را در رشد تولید ناخالص داخلی دارد. این نقش با مکانیزم‌های ذیل به رشد تولید ناخالص داخلی کمک می‌کند.

۴-۳-۱. بهبود بهره‌وری عوامل تولید

بهبود بهره‌وری عوامل تولید مهم‌ترین مکانیزمی است که بر تمام بخش‌های اقتصادی تأثیرگذاری دارد و باعث بهبود سهم هریک از بخش‌های سه‌گانه در تشکیل تولید ناخالص داخلی می‌گردد. این مکانیزم از طریق تولید تکنولوژی زراعت و بذره‌های پربازده و آفت‌کش‌های زراعت باعث افزایش ارزش افزوده در بخش زراعت و ایجاد خدمات نوین می‌گردد.

طبق گزارش گروپ بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ در مورد ارزش افزوده محصولات زراعت این تحلیل ارائه گردیده است. (Annemarie2015p9)

جدول ارزش افزوده هر دلار در بخش زراعت

سطوح اقتصاد	اقتصاد سنتی قبل از صنعتی شدن	در حال صنعتی شدن	صنعتی شده
میزان بهره‌وری هر دلار	۰۵۶ - ۰۸۷ سنت	۱/۰۶ - ۱/۱۷	۱/۹۰

طبق گزارش گروپ بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، میزان بهره‌وری هر دلار سرمایه‌گذاری در بخش زراعت بر اساس سطوح مختلف اقتصاد متفاوت می‌باشد که در اقتصاد سنتی و قبل از صنعتی شدن میزان بهره‌وری هر دلار بین ۵۶ سنت تا ۸۷ سنت است.

دراقتصاد کشورهای درحال صنعتی شدن میزان بهره‌وری و ارزش افزوده هر دلار که در بخش زراعت سرمایه‌گذاری می‌گردد بین ۱۰۰۶ یعنی یک دلار و ۶ سنت تا یک دلار ۱۷ سنت است. اما در اقتصاد صنعتی شده ارزش افزوده و بهره‌وری هر دلاری که در بخش زراعت سرمایه‌گذاری می‌گردد تا ۱۹۰ است. یعنی تقریباً ارزش افزوده هر دلار سرمایه‌گذاری دو برابر می‌گردد که یک دلار و ۹۰ سنت ارزش افزوده دارد. مهم‌ترین دلیل رشد بهره‌وری سرمایه‌گذاری در بخش زراعت به کارگیری فناوری‌های جدید در محصولات زراعت مانند مکانیزه سازی زراعت و بیوتکنولوژی (Annemarie 2015.p5) در زمینه‌های مهندسی ژنتیک و «دی ان ای» محصولات زراعت و دامی. این نوع مهندسی ژنتیکی باعث می‌گردد که گونه‌های جدید و متنوعی از گیاهان پرورش داده و در مناطق بیابانی کاشته شوند و دام‌هایی را نیز با مهندسی ژنتیک پرورش می‌دهند. (Marton, 1992, p. 137.)

میزان موفقیت‌های بیوتکنولوژی در سطوح مختلف اقتصاد وابسته به میزان جذب تکنولوژی و لینک شبکه‌های تحقیقاتی دارد. (Marton, 1992 p. 138)

۲-۳-۴. کاهش فقر و نابرابری

طبق گزارش سال ۲۰۰۶ بانک جهانی صنعت، مخصوصاً صنایع با فناوری بالا بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲م. حدود بیش از ۱۱٪ رشد داشته است و سهم صنعت در تشکیل تولید ناخالص داخلی در جهان از ۳۵٪ در سال ۱۹۶۵ به ۴۶٪ در سال ۲۰۰۴ افزایش داشته است و صنعت بیشترین سهم را در رشد اقتصادی و کاهش فقر داشته است. (United Nations; 2007.p۳۰۰)

بخش صنعت باعث رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری می‌گردد به دلیل این که مهارت کارگران بهبود پیدا می‌کند و کارگران ماهر می‌گردد و با به کارگیری کارگران ماهر سود بازدهی سرمایه به کارگران و صاحب سرمایه برمی‌گردد، اما در صورت وجود کارگران غیرماهر سود بازدهی بیشتر به صاحبان سرمایه و زمین برمی‌گردد. (United Nations; 2007.p299) در سال ۱۹۸۱ بیش از یک سوم جمعیت جهان فقیر بودند و در سال ۲۰۰۱ که صنعت و تکنولوژی در کشورهای چین، هند، کره جنوبی، اندونزی، تایوان، مکزیک و برزیل کشورها گسترش پیدا کرد. فقر به کمتر از یک پنجم کاهش پیدا کرد که حدود ۱۸٪ جمعیت جهان را فقیر تشکیل می‌دهد. (United Nations; 2007.p295) همین‌طور صنعتی شدن در ۳۴ کشور در حال توسعه در سال ۱۹۹۰ سبب رشد متوازن گردید که درآمد فقیرترین مردم ۶۰٪ اضافه شود و ۲۰٪ از درآمد ثروتمندان کاهش یابد این مسأله نشان دهنده کاهش فقر و نابرابری است. (United Nations; 2007.p)

از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۵ سهم چین در تولیدات جهانی و ایجاد ارزش افزوده به ۲۵٪ افزایش یافته است یعنی سهم چین از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۵ پنج برابر گردیده است. این مسأله در چین با پیوستن

چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ سرعت بیشتری پیدا نمود و چین را با انتقال فناوری تبدیل به کارخانه جهانی نمود. (Mary Hallward.2018p45)

براساس تحقیقات چن و راولیون در سال ۲۰۰۴، یک سوم جمعیت جهان در سال ۱۹۸۱ با فقر مطلق درگیر بودند، اما در سال ۲۰۰۱ فقر به شدت کاهش پیدا کرد و نرخ فقر مطلق در جهان به ۱۸ کاهش پیدا کرد. این کاهش شدید در فقر مطلق ناشی از رشد اقتصادی کشورهای پرجمعیت جهان مانند چین و هند است. البته در کشورهایی که توسعه صنعتی نداشتند مانند کشورهای مربوط به صحرای آفریقا فقر مطلق افزایش یافت. در نتیجه توسعه و گسترش صنعت نقش مهم در رشد متوازن و کاهش فقر و نابرابری در کشورهای مانند چین، هند، کره جنوبی و تایوان داشته است. (Matleen kniivila.p295)

۳-۳-۴. مؤثریت بیشتر سرمایه انسانی در بخش صنعت

صنعت و تکنولوژی باعث بهبود مؤثریت بیشتری نیروی کار در بخش صنعت می‌گردد نسبت به سایر بخش‌ها. به طور نمونه در یازده اقتصاد کشورهای آفریقایی و اقتصاد کشورهای شرق آسیا مؤثریت نیروی کار در بخش زراعت پایین تر از مؤثریت نیروی کار در بخش صنعت بوده است. (Mary Hallward2018p1) یعنی مؤثریت نیروی کار در بخش صنعت نزدیک به دو برابر بخش زراعت می‌باشد یعنی ضریب مؤثریت نیروی کار در بخش صنعت حدود ۱.۷ بیشتر از بخش زراعت است. این مسأله سبب انتقال نیروی کار از بخش زراعت به بخش مدرن اقتصاد یعنی صنعت گردیده در بسیاری از کشورهای جهان. (Mary Hallwar.2018p1)

همین‌طور براساس مطالعات انجام شده در سال ۱۹۹۴، سرمایه انسانی بیشترین نقش را در ایجاد افزوده داشته در بخش صنعت و خدمات داشته است.

جدول میزان ارزش افزوده سرانه سرمایه انسانی در بخش‌های تولید ناخالص داخلی

بخش خدمات	بخش صنعت	بخش زراعت	بخش
۲۶۹۲۷	۲۵۹۱۱	۱۸۶۰	ارزش افزوده هر کارگر به دلار آمریکا

Source: World bank Development Indicators database.

۴-۳-۴. تولید مواد اولیه صنعتی

توسعه بخش صنعت و تکنولوژی نقش مؤثر در تولید مواد اولیه صنعتی یا جایگزین‌های جدید دارد و باعث کاهش صادرات مواد اولیه معدنی از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته می‌گردد. در عوض کشورهای صنعتی به کمک دانش و فناوری مواد اولیه صنعتی جایگزین مواد اولیه معدنی تولید و صادر می‌کنند. مواد اولیه صنعتی جایگزین مانند دامنه از سیکلامات ها واسپرتام (مواد شیرین کننده مصنوعی که سبب چاقی هم نمی‌گردد و به دندان ها آسیب نمی‌زند و از آنان به جای شکر و عسل و... استفاده می‌گردد) فیبرهای نوری و پلاستیک‌های تقویت شده (پلاستیک‌های که با کمک الیاف و فیبرها به وجود می‌آیند و مقاومت و انعطاف پذیری آنان را بالا می‌برد که در صنعت امروز به جای مس در تولید کابل‌های ارتباطی، آهن، فولاد و المینیوم استفاده می‌گردد) کمپوزیت‌ها (ترکیبات مختلفی از مواد هستند که سازه‌های

مانند چوب و بتون مصلح و پلاستیک تقویت شده را به وجود می‌آورد و به جای استیل در صنعت موتر و هواپیما استفاده می‌گردد) پیتروم (مواد سمی حشره‌کش صنعتی که اصلش از گیاه بوده ولی امروزه به صورت صنعتی تولید می‌گردد) نیکل و کبالت (یک عنصر شیمیایی شبیه نیکل است که در الیازهای برشکاری و مغناطیسی به جای آهن به کار می‌روند)، کروم (یک عنصر شیمیایی است که در صنایع فولاد و رنگریزی و آبکاری استفاده می‌شود) همین طور کالاهای مانند پنبه، پلاستیک طبیعی و الیاف طبیعی که امروزه به جای آن از جایگزین‌های صنعتی استفاده می‌گردد.

این نوع جایگزین‌ها سبب کاهش تقاضای مواد اولیه معدنی و طبیعی گردیده است که نوعا کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در تجارت آن مزیت دارند مثلا تولید فیبرهای نوری که جایگزین مس می‌گردد در تولید کابل‌های ارتباطی باعث کاهش صادرات مس از کشورهای شیلی، ژئیر و زیمبابو می‌گردد. بنابراین تولید مواد اولیه صنعتی اقتصاد جهان را به سمت جایگزین‌های جدید حرکت می‌دهد و ساخت و سازهای صنعتی و فرایند ساخت آن منجر به کاهش تقاضای مواد معدنی مانند آهن و استیل و مواد زراعت مانند شکر و پنبه و... می‌گردد. (Marton, Katherin 1992, p. 133.) در نهایت کالاهای صادراتی از کشورهای در حال توسعه امروزه با کاهش تقاضا مواجه می‌گردد. (United Nation 1987) و مواد اولیه صنعتی یا جایگزین‌های جدید امروزی در انحصار کشورهای توسعه یافته است مانند صنعت و تکنولوژی‌های پیشرفته. (Nikoloskip49, 2016 Krume)

۵-۳-۴. انتقال فناوری به سایر بخش‌ها

سپس این فناوری‌ها از طریق صنایع ماشین‌آلات، قطعه‌سازی، ابزارسازی و دیجیتال‌سازی، به زراعت و خدمات منتقل می‌شوند، (Rodrik, D. 2007. pp. 90-92) با انتقال فناوری به سایر بخش‌ها سبب بهبود مؤثریت و افزایش ارزش افزوده در بخش‌های زراعت و خدمات می‌گردد.

۱-۵-۳-۴. انتقال فناوری به بخش زراعت

۱-۱-۵-۳-۴. تولید بذره‌های پربازده برای زراعت

تولید بذره‌های پربازده زراعت ضرورت به تحقیق دارد. تحقیقات و توسعه سبب می‌گردد که بذره‌های پربازده تولید گردد که در برابر آفت‌ها و بیماری‌های گیاهی مقاومت داشته باشد و با شرایط محیطی سازگار گردد و با آب و هوای متفاوت و با گونه مختلف از زمین‌ها مناسب باشد. این نوع بذرها ضرورت به آزمایش‌هایی با ابزارهای پیچیده و... دارد. لذا این مسأله ثابت می‌کند که توسعه و بهبود در بخش زراعت به بخش صنعت وابستگی دارد.

۲-۱-۵-۳-۴. تولید کودهای کیمیایی

زمین برای حاصلخیزی و غنمندی خودش ضرورت به کود دارد و امروزه در زراعت مکانیزه شده به جای استفاده از کودهای حیوانی و طبیعی از کودهای شیمیایی استفاده می‌کنند و زمین‌های زراعت با تغذیه کودهای شیمیایی بهره‌وری و حاصلخیزی زمین افزایش می‌یابد.

۳-۱-۵-۳. تأمین تجهیزات و ابزارآلات صنعتی برای آبیاری

آب یکی از منابع تولید یا عوامل تولید می‌باشد که محصولات زراعت بدون آن تولید نمی‌گردد و رشد نمی‌کند. یکی از مشکلات جدی کمبود آب است. آبیاری با باران در فصل‌های مختلف سال نیز قابل اعتماد نیست لذا این مسأله باعث کاهش محصولات زراعت می‌گردد. لذا برای فراهم کردن امکانات آبیاری ضرورت به ساخت استخر، دیوار و کانال، سد، ذخیره سازی آب، لوله‌های آبیاری، پمپ‌های دستی و مجموعه‌ای از پمپ‌های آبیاری، که تهیه آن ضرورت به سمند، خشت، آهن و پلاستیک دارند؛ از جمله محصولات بخش صنعت محسوب می‌گردد.

۴-۳-۵-۱-۴. تولید آفت‌کش‌ها

حدود ۵ تا ۱۰٪ از محصولات زراعت توسط آفت‌ها و دیگر بیماری‌های گیاهی خراب می‌گردد. برای مراقبت از دانه‌ها و محصولات زراعت ضرورت به انواع مختلف از آفت‌کش‌ها می‌باشد. آفت‌کش‌هایی که برای طبیعت و انسان مضر نباشد توسط سکتور صنعت تولید و فراهم می‌گردد. آفت‌کش‌ها یک هدیه از بخش صنعت برای بخش زراعت است و باعث افزایش بهره‌وری محصولات زراعت می‌گردد.

۴-۳-۵-۱-۵. تأمین و فراهم کردن تجهیزات برداشت و کشت

جمع آوری محصولات و کشت آنان اگر با ابزار سنتی مانند گاو آهن، ابزار دستی و گاری و... صورت گیرد بهره‌وری زمین بسیار اندک و پرهزینه می‌باشد. لذا امروزه سکتور صنعت ابزار میکانیکی و تجهیزات جایگزین مدرن را تولید و ارائه می‌کند تا هزینه‌های تولید کاهش یابد و میزان بهره‌وری زمین افزایش یابد.

۴-۳-۵-۲. انتقال فناوری به بخش خدمات

۴-۳-۵-۲-۱. گسترش تجارت الکترونیکی

یکی دیگر از دستاوردهای صنعت و تکنولوژی گسترش تجارت الکترونیکی است که کشورهای صنعتی سهمی بیشتری در آن دارد.

بزرگ‌ترین شرکت‌های تجارت الکترونیکی نیز مربوط به کشورهای صنعتی و چین است مانند شرکت‌های آمازون امریکایی، جیدی کام چینی، علی بابای چینی، جیا کام چینی، دیل امریکایی و ای بی امریکایی است.

در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۰۰۰۰ میلیارد سرمایه‌گذاری خواهد شد که در بخش زراعت و صنعت حدود ۴۰٪ و ۶۰٪ در بخش خدمات و حدود ۱۰٪ از سرمایه‌گذاری بخش خدمات مربوط به بخش نرم افزار خواهد بود. (اخبار اقتصاد شماره ۱۳/۱۱/۸۴-۲۱۸۶)

۴-۳-۵-۲-۲. بخش صنعت پیشران خدمات

امروزه بهبود در بخش‌های خدماتی مانند درمان و تشخیص بیماری‌ها، انترنت و بانکداری و ارتباطات و اطلاعات و امثال آنان مدیون بخش صنعت و تکنولوژی است.

۴-۴. نقش بخش خدمات در رشد تولید ناخالص داخلی

۴-۴-۱. سهم بزرگ در ساختار تولید ناخالص داخلی

در بسیاری از کشورها، بویژه کشورهای توسعه یافته، بیشترین سهم تولید ناخالص داخلی از بخش خدمات حاصل می شود. (گاهی بیش از ۶۰٪ (Stiglitz, 2006 p. 413) در کشورهای در حال توسعه نیز، این سهم در حال افزایش است. مثلاً در افغانستان، طبق آمار بانک جهانی، سهم بخش خدمات در برخی سال ها بیش از ۵۰٪ GDP بوده است. (World Bank. 2023)

۴-۴-۲. ایجاد اشتغال فراوان

بخش خدمات، گسترده ترین حوزه برای اشتغال زایی شهری و اشتغال فارغ التحصیلان است. (آموزش، بهداشت، بانکداری، گردشگری، خرده فروشی و... باعث کاهش بیکاری پنهان در بخش زراعت می شود. (Blanchard., & Johnson., pp. 92, 327.)

۴-۴-۳. تقویت سایر بخش ها

خدمات مالی، حمل و نقل، بیمه، مشاوره و فناوری اطلاعات، زیرساخت نرم رشد بخش های زراعت و صنعتی را فراهم می کند. بدون خدمات، تولید و تجارت در سایر بخش ها مختل می شود. (Baumol, 2012, p. 514)

۴-۴-۴. افزایش بهره وری و رقابت پذیری

خدمات حرفه ای و نوین مانند حسابداری، حقوقی، آموزش فنی و دیجیتال باعث افزایش بهره وری و کارایی در کل اقتصاد می شود. به خصوص با گسترش فناوری اطلاعات (ICT)، خدمات به نیروی محرکه رقابت پذیری بین المللی تبدیل شده اند. (Brynjolfsson, 2014 pp. 63-66)

۵. بررسی تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال های اخیر

تولید ناخالص داخلی توسط تسهیم هر یک از بخش های زراعت، صنعت و خدمات نشان دهنده ای وضعیت اقتصادی افغانستان می باشد. لذا این قسمت شامل بررسی های مانند بسترهای اصلی تولید ناخالص داخلی، بررسی های کمی بخش های تولید ناخالص داخلی و بررسی نرخ رشد اقتصادی در سال های اخیر است.

۵-۱. بسترهای اصلی تولید ناخالص داخلی

بسترهای اصلی تولید ناخالص داخلی شامل بخش زراعت، صنعت و خدمات است که به صورت ذیل مطرح می گردد:

۵-۱-۱. بخش زراعت

بخش زراعت افغانستان شامل محصولات زراعت و مالدای می گردد. از مجموع اراضی کشور ۱۲٪ آن قابل کشت و زرع و ۴۶٪ از زمین های آن مناسب دامداری و مالداری است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین طرف ساحات قابل کشت و آبیاری حدود ۶۰٪ کاهش یافته و بیشترین واردات را محصولات زراعت، مانند گندم،

آرد، برنج و... تشکیل می‌دهد. بخش اعظم صادرات اندک افغانستان را محصولات زراعت و دامی مانند میوه‌های تازه و خشک، پوست، قره‌قل، پشم و روده تشکیل می‌دهد. همین‌طور براساس داده‌های رسمی بانک جهانی و مرکز احصایه افغانستان بیشترین نیروی کار در این بخش اشتغال دارند. (مرکز احصایه، ۱۳۹۵ و سایت بانک جهانی) بخش زراعت افغانستان مانند سایر بخش‌ها به حالت سنتی باقی مانده و نوسازی نگردیده است، لذا از مزیت‌ها و ظرفیت‌ها استفاده نگردیده و همواره بدلیل نبود مراکز صحتی مدرن حیوانی سالانه بسیاری از حیوانات و دام بر اثر بیماری‌های ناشناخته تلف می‌گردد. در بخش زراعت هنوز از تجهیزات مدرن مانند تجهیزات آبیاری، کاشت و برداشت استفاده نمی‌گردد و فاقد سردخانه‌های معیاری است. محصولات زراعت آن بازاریابی بین‌المللی نمی‌گردد و از بذرهای پربازده و آفت‌کش‌ها کمتر استفاده می‌شود. امروزه محصولاتی که بخش زراعت افغانستان را تشکیل می‌دهد غله‌جات، میوه‌جات تازه و خشک و مالداری است. (مرکز احصایه، ۱۳۹۵)

۲-۱-۵. بخش صنعت

بخش صنعت یکی دیگر از بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی افغانستان است. بخش صنعت شامل دوبخش اصلی به نام معادن و صنایع کارخانه‌ای است.

۱-۲-۵. معادن

براساس برآوردهای اولیه معادن افغانستان در ۲۴ نقطه کشور قرار دارد و حدود ۴۰۰ نوع معدن شناسایی و ارزش آن بیش از چهار تریلیون دلار برآورد گردیده است. (وزارت معدن افغانستان، معدن: ۱۳۹۱: ص ۵۲) مطابق ماده نهم قانون اساسی افغانستان، این معادن در مالکیت دولت قرار دارد. مهم‌ترین معادن افغانستان عبارت‌اند از معدن مس با ظرفیت ۵ میلیون تن، (روزنامه هشت صبح: ۱۳۸۹) معدن آهن با ظرفیت حدود ۲ میلیارد تن ذخیره، (همان وزارت معدن) معدن نفت و گاز با مجموع ذخایر ۱/۸ میلیارد بشکه نفت خام و ۵۶۲ میلیارد متر مکعب گاز مستقر در بیش از ۱۰۰ نقطه کشور، (وزارت معدن ص ۱۷) معدن لیتیوم به ارزش ذخایر نفتی عربستان سعودی، (روزنامه شرق، ش ۹۹۲) معادن دیگر مانند ذغال سنگ، اروانیوم، طلا و نقره و... (سایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان) به طور کلی معادن استخراج و پروسس معادن سهم مہی در تشکیل بخش صنعت دارند.

۲-۲-۵. صنایع کارخانه‌ای

مراد از صنایع کارخانه‌ای محصولاتی است که در کارخانه‌های صنعتی تولید می‌گردد و بخشی از صنعت افغانستان را تشکیل می‌دهد. در شرایط فعلی بسیاری از کارخانه‌های صنعتی نیمه فعال و یا غیرفعال است. عمده‌ترین محصولاتی که امروزه این بخش از صنعت را تشکیل می‌دهد، محصولاتی مانند مواد غذایی و نوشیدنی، منسوجات، چرم، ساختمان، کاغذ و چوب است. (مرکز احصایه، سالنامه‌های احصائی ۱۳۹۵)

۳-۱-۵. بخش خدمات

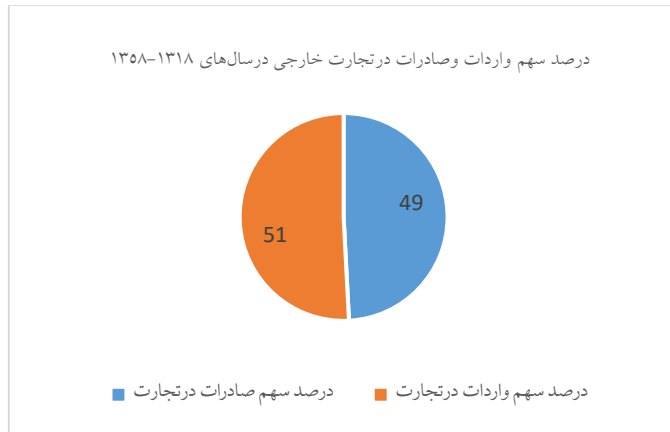
بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی افغانستان شامل تجارت، ترانسپورت، خدمات مالی، رستوران و هتل‌ها و... است. (مرکز احصائیه، سالنامه های احصائیوی ۱۳۹۵) خدمات بازرگانی عمده و پرچون مهم‌ترین بخش از خدمات است. خدمات بازرگانی افغانستان در دوره معاصر نیز در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ بیش از ۳۰٪ از بودجه دولت افغانستان را تأمین می‌کند که با وضع مالیات بر تجارت خارجی آن به دست می‌آید (مرکز احصائیه، ۱۳۹۲) بررسی‌های تجارت خارجی افغانستان نشان می‌دهد که در دوره‌هایی که بخش صنعت پررنگ بوده تراز تجاری برقرار بوده و در سال‌هایی که بخش صنعت کم‌رنگ بوده است ناترازی بیشتر شده و سهم واردات در تجارت خارجی بیشتر گردیده است.

۳-۱-۵. بررسی وضعیت تجارت خارجی افغانستان در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۸

در مجموع در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۸ شمسی که بخش صنعت در اقتصاد ملی افغانستان پررنگ‌تر بوده، تراز تجاری افغانستان وضعیت مطلوب را از نظر صادرات و واردات داشته. تقریباً تراز تجاری بین صادرات واردات برقرار بوده که ۵۱٪ تجارت خارجی را واردات و ۴۹٪ را صادرات تشکیل می‌دهد. حتی در برخی سال‌ها تراز تجاری مال مثبت بوده یعنی صادرات ما بیشتر از واردات بوده و بخش مهمی از اقلام صادراتی را محصولات ناشی از فعالیت‌های بخش صنعت تشکیل می‌داده است مانند صادرات کالاهای واسطه‌ای (صادرات انرژی) مانند گاز شبرغان به شوروی که ارزش صادرات آن در سال نزدیک به یک میلیارد دلار می‌رسید. (فرهنگ، ج ۳ ص ۵۵۵) و صادرات محصولات نهایی مانند تار و رخت نیز صادرات داشته‌ایم که از محصولات کارخانجات بافندگی گلبهار بوده است.

گراف درصد سهم واردات و صادرات در تجارت خارجی افغانستان در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۸

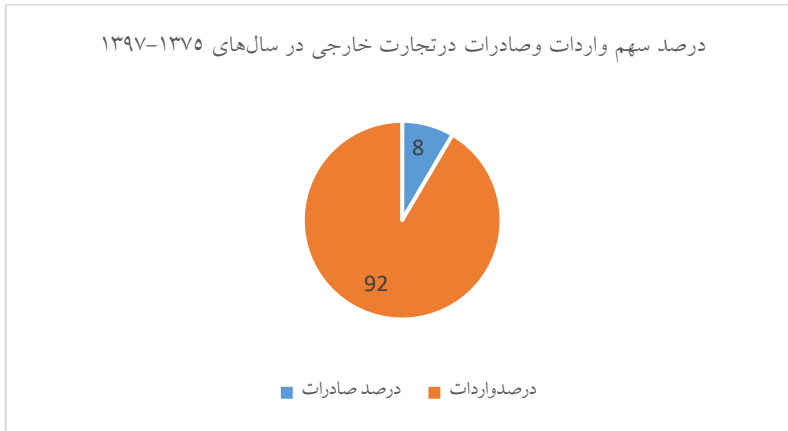
هجری شمسی.



منبع: پلان انکشافی سال ۱۳۶۰ ص ۲۶ افغانستان در پنج قرن اخیر

۲-۳-۱-۵. وضعیت تجارت خارجی در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷

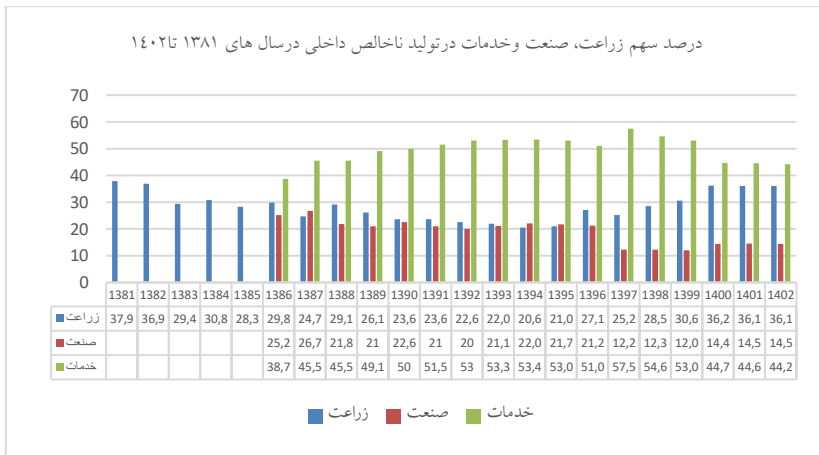
در این دوره تاریخی که اقتصاد ملی فقط متکی به بخش زراعت می‌باشد و بخش صنعت نقش کمتری داشته است، شاخص تراز تجاری وضعیت مطلوب را نشان نمی‌دهد. تراز تجاری همواره در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ منفی است و به طور متوسط حدود ۹۲٪ از تجارت خارجی ما را واردات محصولات نهایی کشورهای خارجی تشکیل می‌دهد. جدول اقلام صادراتی و وارداتی نشان می‌دهد که بخش صادرات را فقط محصولات زراعت تشکیل می‌دهد و بخش واردات را اقلام مختلف از محصولات نهایی مصرفی پوشش می‌دهد. نمودار ۱۲. درصد سهم واردات و صادرات در تجارت خارجی در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ هجری شمسی



منبع: سالنامه احصاییوی افغانستان

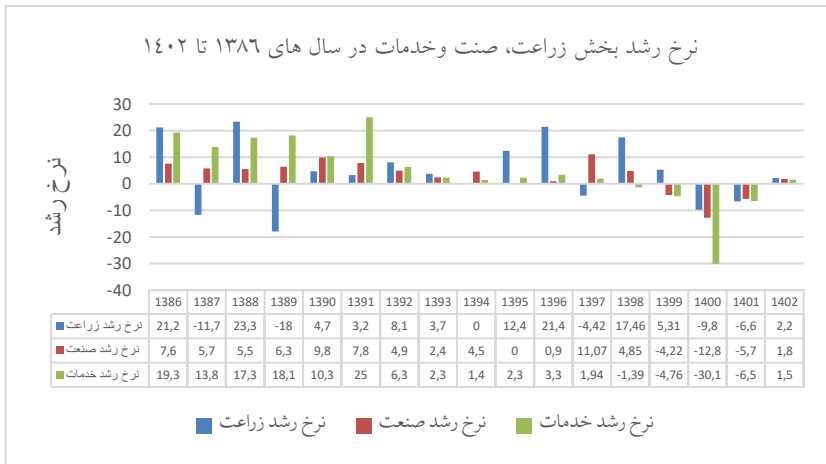
۲. بررسی کمی سهم بخش‌های زراعت، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی فصدی سهم بخش‌های سه‌گانه زراعت، صنعت و خدمات در تشکیل تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد هریک از بخش‌های در قالب دو گراف ذیل در سال‌های اخیر نشان داده می‌شود.

گراف فصدی سهم بخش‌های زراعت، صنعت و خدمات در تشکیل تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۴. طبق گراف بیشترین سهم مربوط به بخش خدمات و زراعت و کمترین سهم مربوط به بخش صنعت است. در سال‌های بعد از ۱۳۹۶ سهم صنعت مرتب کاهش یافته و مهم‌ترین دلیل آن اوج فرار سرمایه است که باعث تعطیل شدن بسیاری کارخانه گردید.



منبع: سالنامه احصایی و داده های بانک جهانی

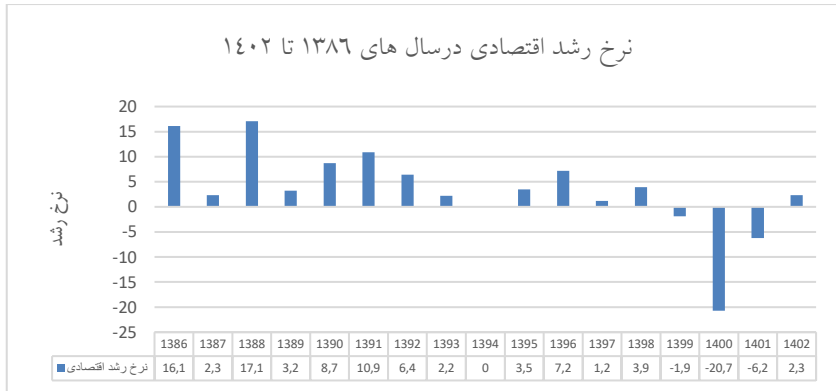
گراف نرخ رشد هریک از بخش های زراعت، صنعت و خدمات در سال های اخیر، طبق این گراف نرخ رشد زراعت به دلیل خشکسالی نوسانات شدید را نشان می دهد و بخش خدمات همواره بالاترین نرخ رشد به خود اختصاص داده و اما بخش صنعت ابتدا نرخ رشد خوبی داشته اما در سال اخیر مخصوصاً از ۱۳۹۵ به بعد نرخ رشد شان به شدت کاهش یافته است و سایر بخش ها نیز نرخ رشد شان کاهش را نشان می دهد.



منبع: سالنامه احصایی افغانستان

۵-۲. بررسی نرخ رشد اقتصادی در سال های اخیر

طبق گراف ذیل نرخ رشد اقتصادی، همواره در سال های اخیر یعنی از سال ۱۳۹۴ به بعد مرتب در حال کاهشی بوده و حتی در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ منفی گردیده است. در این سال ها میزان تولید ناخالص داخلی کمتر از سال های قبل خود بوده است.



۰۶ راهکارهای افزایش تولید ناخالص داخلی افغانستان

با توجه به مبانی نظری و نقش‌های سه‌گانه تولید ناخالص داخلی و بررسی کمی تولید ناخالص داخلی، راهکارهای ذیل برای افزایش تولید ناخالص داخلی افغانستان معرفی می‌گردد.

۱-۶ سرمایه‌گذاری همزمان در بخش‌های سه‌گانه تولید ناخالص داخلی

بر اساس نظریه رشد متوازن، توسعه پایدار اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری همزمان و هماهنگ در بخش‌های زراعت، صنعت و خدمات است. این رویکرد موجب ایجاد آثار متقابل مثبت می‌شود، به نحوی که رشد هر بخش به عنوان نهاده‌ای برای سایر بخش‌ها عمل کرده و ارزش افزوده کل اقتصاد را افزایش می‌دهد. این راهکار با مکانیسم‌های اجرایی ذیل می‌تواند باعث افزایش تولید ناخالص داخلی افغانستان گردد:

۱-۱. ارتقای بهره‌وری کشاورزی از طریق مکانیزه‌سازی و استفاده از فناوری‌های نوین و بیوتکنولوژی.

۱-۲. توسعه صنایع تبدیلی و صنعتی مرتبط با محصولات کشاورزی برای ایجاد زنجیره ارزش.

۱-۳. توسعه خدمات پشتیبانی مانند حمل و نقل، بیمه، خدمات مالی و ICT برای تسهیل فعالیت‌های

کشاورزی و صنعتی.

۲-۶ تقویت بخش پیشرو صنعت

نظریه رشد نامتوازن تأکید دارد که سرمایه‌گذاری متمرکز در صنایع پیشرو با بیشترین پیوندهای پسین و پیشین می‌تواند محرک اصلی توسعه سایر بخش‌ها باشد. در افغانستان، بخش صنعت می‌تواند نقش پیشرو را ایفا کند و رشد سایر بخش‌ها را تحریک کند. این راهکار با مکانیسم‌های ذیل می‌تواند باعث افزایش تولید ناخالص داخلی افغانستان گردد:

۲-۱. شناسایی و توسعه صنایع کلیدی با توان پیوند بالا، مانند صنایع فولاد، ماشین‌آلات کشاورزی،

صنایع غذایی و بسته‌بندی.

۲-۲. ارتقای صنایع موجود با تکنولوژی‌های نوین برای افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی به واردات.

۳-۳. استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی برای تقویت ظرفیت تولید صنعتی.

۳-۶. استفاده از سیاست‌های حمایت از صنعت منتخب

طبق نظریه صنعت منتخب، دولت می‌تواند با حمایت هدفمند از صنایع دارای مزیت رقابتی، زمینه رشد اقتصادی و افزایش صادرات را فراهم کند. این رویکرد موجب ایجاد مزیت نسبی ملی و تقویت جایگاه افغانستان در بازارهای منطقه‌ای و جهانی می‌شود. این راهکار نیز می‌تواند با به کارگیری مکانیسم‌های اجرایی ذیل باعث افزایش تولید ناخالص داخلی افغانستان می‌گردد:

۳-۱. ارائه مشوق‌های مالیاتی و اعتباری به صنایع منتخب.

۳-۲. حمایت از تحقیق و توسعه (R&D) در حوزه فناوری‌های نوین و ماشین‌آلات صنعتی.

۳-۳. ایجاد سیاست‌های محافظتی موقت در برابر رقابت خارجی تا رسیدن صنایع منتخب به بلوغ و مزیت رقابتی.

۴-۶. حفظ امنیت غذایی و توسعه پایدار کشاورزی

امنیت غذایی، پایه توسعه اقتصادی پایدار است و جلوگیری از وابستگی به واردات محصولات اساسی مانند گندم و برنج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این راهکار با به کارگیری از مکانیسم‌های اجرایی ذیل باعث افزایش تولید ناخالص داخلی می‌گردد:

۴-۱. نوسازی بخش کشاورزی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و مدیریت منابع آبی.

۴-۲. گسترش کشاورزی قراردادی و صنایع تبدیلی برای کاهش ضایعات محصولات و ایجاد ارزش افزوده.

۴-۳. تقویت خدمات مشاوره‌ای و آموزشی برای کشاورزان و بهره‌برداران.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل داده‌های آماری و بررسی مبانی نظری رشد اقتصادی در چهارچوب ساختار تولید ناخالص داخلی افغانستان نشان می‌دهد که گرچه بخش خدمات در حال حاضر بیشترین سهم را در GDP دارد و بخش زراعت از نظر اشتغال‌زایی اهمیت دارد، اما بخش صنعت به عنوان پیشران بالقوه رشد اقتصادی افغانستان از ظرفیت‌های ساختاری و مزیت‌های بلندمدت بیشتری برخوردار است. این بخش از توانایی ایجاد ارزش افزوده بالا، پیوندهای گسترده با سایر بخش‌ها، توسعه صادرات و ارتقای بهره‌وری نیروی کار برخوردار است.

بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله حاکی از آن است که تکیه صرف بر بخش خدمات نمی‌تواند به رشد پایدار و تحول ساختاری اقتصاد افغانستان منجر شود. در مقابل، توسعه هدفمند بخش صنعت، بویژه صنایع تبدیلی و متوسط، می‌تواند به ایجاد اشتغال مولد، کاهش وابستگی اقتصادی، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و تنوع بخشی به صادرات منجر گردد.

براین اساس، بخش صنعت باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت افغانستان به حیث راهکار اصلی افزایش تولید ناخالص داخلی قرار گیرد. سیاست‌گذاری در جهت بهبود زیرساخت‌ها، دسترسی به منابع مالی، ارتقای سرمایه انسانی، و توسعه خوشه‌های صنعتی می‌تواند بستر ساز رشد صنعتی و در نهایت رشد فراگیر اقتصادی در کشور گردد.

سرانجام، بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادات ذیل را می‌توان مطرح کرد:

۱. توسعه صنعتی مبتنی بر منابع طبیعی و زراعتی: تمرکز بر صنایع معدنی و صنایع تبدیلی زراعتی به‌عنوان محور اصلی صنعتی‌شدن افغانستان، با هدف ایجاد ارزش افزوده، تقویت پیوندهای بین‌بخشی و افزایش صادرات غیرخام.
۲. تقویت زیرساخت‌های تولید و حمل‌ونقل: سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی، بویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌منظور کاهش هزینه‌های تولید، تأمین پایدار انرژی و ارتقای رقابت‌پذیری بخش صنعت.
۳. ارتقای سرمایه انسانی و مهارت‌های فنی: توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بخش صنعت و صنایع متوسط، با هدف افزایش بهره‌وری نیروی کار و پشتیبانی از رشد صنعتی پایدار.
۴. حمایت نهادی از کارآفرینی و بنگاه‌های صنعتی: طراحی سیاست‌های حمایتی برای کارآفرینی جوانان، تسهیل دسترسی به منابع مالی و ایجاد خوشه‌های صنعتی به‌منظور تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط و تنوع بخشی به ساختار تولید.

۸. فهرست منابع

۱. اسفندیاری، هنگامه؛ نجفی، بهاء‌الدین؛ موسوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). نقش بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش زراعت. تحقیقات اقتصاد زراعت، ۸(۱)، ۸۶.
۲. روزنامه هشت صبح. (۱۳۸۹).
۳. فرهنگ، محمد صدیق (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۳. کابل: انتشارات عرفان.
۴. قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۰). اقتصاد توسعه. تهران: نشر نی.
۵. لشکری، محمد. (۱۳۸۸). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۶. مایر، جرالدام؛ سیرز، دادلی. (۱۳۸۴). پیشگامان توسعه (ترجمه علی‌اصغر هدایتی و علی یاسری). تهران: انتشارات سمت.
۷. مایکل، پی. تودارو؛ اسمیت، استفن سی. (۱۳۹۳). توسعه اقتصادی (ترجمه شهناز طاهری). تهران: نشر هستان.
۸. محنت‌فر، یوسف؛ سلیمانی، حامد؛ بابایی، بیژن. (۱۳۹۴). تأثیر ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد اقتصادی استان‌ها در برنامه چهارم توسعه (با تأکید بر بخش زراعت) با استفاده از داده‌های تابلویی. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۰(۱). (۲۰).
۹. مرکز احصائیه افغانستان. (۱۳۸۸-۱۴۰۲). سالنامه‌های احصائیه‌ی. کابل: مرکز احصائیه.
۱۰. مهدوی عادل؛ حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین. (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای با درآمد متوسط. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۲۴.
۱۱. وزارت معادن افغانستان. (۱۳۹۱). ماهنامه معدن، ۱۱، ۵۲.
12. Blanchard, O., & Johnson, D. R. (2017). *Macroeconomics* (7th ed.). Pearson.
13. Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The second machine age*. New York, NY: W. W. Norton & Company.
14. Chenery, H., & Syrquin, M. (1975). *Patterns of development, 1950–1970*. London: Oxford University Press.
15. FAO. (2021). *The state of food and agriculture 2021: Making agrifood systems more resilient to shocks and stresses*. Rome: FAO.
16. Hallward-Driemeier, M., & Nayyar, G. (2018). *Trouble in the making? The future of manufacturing-led development*. Washington, DC: World Bank Group.
17. Lipton, M. (1977). *Why poor people stay poor: Urban bias in world development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
18. Mankiw, N. G. (2010). *Macroeconomics*. Cambridge, MA: Harvard University.
19. Marton, K., & Singh, R. K. (1992). New technologies and developing countries: Prospects and potential. *Intereconomics*, 27(3), 133–138.
20. Organisation for Economic Co-operation and Development. 2024 OECD reports.
21. Porter, M. E. (1990). *The competitive advantage of nations*. New York, NY: Free Press.
22. Rodrik, D. (2007). *One economics, many recipes*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

23. Stiglitz, J. E., & Walsh, C. E. (2006). Principles of economics (4th ed.). New York, NY: W. W. Norton & Company.
24. Todaro, M. P., & Smith, S. C. (2015). Economic development (12th ed.). Pearson.
25. United Nations. (1987). Impact of new and emerging technologies on trade and development. Geneva: United Nations.
26. United Nations. (2007). United Nations report. New York, NY: United Nations.
27. World Bank. (2007). World development report 2008: Agriculture for development. Washington, DC: World Bank.
28. World Bank. (2020). Afghanistan development update. Washington, DC: World Bank.
29. World Bank. (2021). World development report 2021: Data for better lives. Washington, DC: World Bank.
30. World Bank. (2023). Afghanistan economic monitor. Washington, DC: World Bank.